

## فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی هرگز فراموش نخواهد شد!

همایون فرهادی

فرمان خمینی جلاد در تابستان خونین ۶۷ فاجعه ای را آفرید که یادآوری آن تاریخ را شرمسار خویش می سازد. فرمان مرگ با چنین جملاتی آغاز شد: از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حیله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند و با توجه به محارب بودن آنها و جنگ های کلاسیک آنها در شمال و غرب کشور با همکاری های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان به استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون کسانی که در زندان های سراسر کشور در سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده ای از وزارت اطلاعات می باشد، اگرچه احتیاط بر اجماع است، و همین طور در زندان های مراکز استان کشور، رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می باشد. رحم بر محاربی ساده اندیشی ست، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا، از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی ست، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام، رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است، و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند (اشهدا علی الکفار) باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد.

بعد از صدور فرمان، گزمگان راهی شکنجه گاه ها می گردند تا نسل کشی را آغاز نمایند. از اواخر تیرماه ۶۷ حصارهای زندان تنگ تر شده و تمام امکانات ارتباطی زندانیان با دنیای خارج از شکنجه گاه ها قطع می گردد. هیات مرگ به سرپرستی اشراقی جنایتکار و دستیاران ویژه اش نیری، مبشری، رهبرپور، رازینی، لاجوردی، داودرحمانی، کریمی و... قرار است زندان های اوین، گوهردشت، عشرت آباد، توحید، جمشیدیه، قصر فیروزه، تهران پارس، قزل حصار و... در تهران را از وجود زندانیان سیاسی پاکسازی نمایند. پاکسازی نهایی براساس آن چه که خمینی بارها اعلام داشته بود: تکلیف زندانیان را روشن کنید.

آن هایی که اصلاح پذیرند، اصلاح کنید و کار افراد اصلاح ناپذیر را تمام کنید، انجام می پذیرد. تصمیم جنایتکارانه ای که از چندین ماه قبل توسط رفسنجانی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، احمد خمینی تدارک دیده شده بود و با فرمان ویژه امام جنایتکاران قرار بود در زمان حیات خمینی انجام بگیرد. برای اجرا این جنایت هولناک هیات های مشابهی نیز در شهرستان ها تعیین و با بازجویی های یک دقیقه ای واحکام از پیش تعیین شده به قتل عام زندانیان سیاسی می پردازند. دارالرحمای شیراز، باغ رضوان اصفهان و ده ها گورستان دیگر از اجساد اعدامی ها پر می گردند.

آیا حاضر به معرفی یاران سابق خود هستید؟، آیا حاضرید در تعقیب و دستگیری آنان به ما کمک کنید؟، توانین تاکنیکی را معرفی کنید؟، آیا حاضرید به خط مقدم جبهه رفته و از روی میدین مین دشمن عبود کنید؟ و... از جمله سوالاتی است که در مقابل زندانیان و بویژه کسانی که به اتهام رابطه با سازمان مجاهدین در زندان ها هنوز باقی مانده بودند گذاشته می شود. پاسخ زندانیان اگر با تایید صددرصد این سوالات همراه نبود، حکم مرگ را برای آنها رقم می زد. هزاران نفر در همان روزهای اول قتل عام می گردند. برای نمونه از ۲۰۰ مجاهد بند ۲ گوهردشت، ۱۹۵ نفر زندانی در مقابل جوخه مرگ قرار می گیرند. این آمار در بندهای دیگر نیز تکرار می شود. با برپایی چوبه های دار در حسینیه اوین و در سالن های سرپوشیده آمفی تئاتر گوهردشت قربانیان در گروه های شش نفره و در عرض ۱۵ دقیقه به دار آویخته می شوند. باگذشت چندروز از آغاز قتل عام، هیات های ویژه برای تسریع فرمان مرگ، میدان های تیر را نیز برای تیرباران زندانیان فراهم می کنند. تریلی های یخچال دار با بارزدن صدها جنازه اعدامی راهی قبرستان های بانام و بی نام می شوند تا اعدام شدگان را در گورهای دسته جمعی به خاک بسپارند.

پس از ۵ شهرومراه نوبت زندانیان چپ می رسد تا به اتاق های هیات های مرگ فرستاده شوند و آمار قربانیان فاجعه قتل عام صدها نفر از زندانیان چپ را نیز دربرمی گیرد. انتساب «مرتدین فطری»، حکم اعدام را برای زندانیان چپ به همراه می آورد. بیش از هفت هزار نفر در عرض سه ماه به جوخه های مرگ سپرده می شوند. جنایت مهیبی رخ می دهد که با هیچ فاجعه انسانی دیگری نمی توان مقایسه اش نمود. گورستان بهشت زهرا، خاوران و ده ها مکان بی نام دیگر، هزاران نفر از زندانیان اعدام شده را در تهران در خود جای می دهند. انسان هایی که در گورهای جمعی دفن شده و با بولدزر بر روی آنها خاک پاشیده می شود.

فرمان اجرا می گردد. ابعاد این فاجعه تاریخی را می توان درنامه سرگشاده ای که خانواده های اعدام شدگان خطاب به حبیبی وزیر دادگستری وقت در تاریخ پنجم دی ماه همان سال نوشته بودند یافت. در این نامه آمده بود:

شما را به عنوان وزیر "دادگستری جمهوری اسلامی مورد خطاب قرار میدهم. در ماههای اخیر اقدامات هولناکی در زندانهای کشور ما بوقوع پیوسته است. اعدام هزاران تن از زندانیان سیاسی که اکثر قریب به اتفاق آنان قبلا محاکمه شده و حکم دریافت کرده و دوران محکومیت خود را سپری می کرده اند و حتی دوران محکومیتشان سپری شده بوده، موجی از حیرت و تأثر در افکار عمومی ایران و جهان برانگیخته است و همگان جوای پایاسخی در خور برای این اقدام می باشند. ما که مادر و پدر و بستگان این قربانیان هستیم، هر لحظه از خود میپرسیم چرا باید چنین بی رحمانه، این فرزندان برومندمان را به خاک و خون کشند. ادعاهائی که می خواهند اینان را به عملیات نظامی این یا آن گروه در مرزهای کشور منتسب کنند، با توجه به اوضاعی که در زندانها حاکم بوده، به طور کلی باطل است، چرا که فرزندان ما در سخت ترین شرایط بسر میبردند، ملاقاتهای ۱۵ روز یکبار آن هم به مدت ده دقیقه از پشت شیشه و بوسیله تلفن و محرومیت اینان از داشتن هر گونه وسیله ارتباط با خارج زندان، که ما آن را در هفت سال اخیر از نزدیک تجربه کرده ایم، حقانیت ادعاهای ما را به اثبات میرساند.

ماستوال میکنیم: اگر اقدامات مقامات قانونی بوده است، چرا اعدامها از چشم همگان پنهان نگاهداشته شد؟

ماستوال میکنیم: اگر این اقدامات موجه بوده چرا صریحا اعلام نمیگردد، چرا باید ملاقاتها که حق طبیعی هر فرد زندانی است قطع شود؟ چرا فرزندان ما را در حصارهای که حتی بسیاری از مسئولین نیز بعنوان "نامحرم" در آنجا تلقی میگردند، گروه گروه به جوخه های اعدام سپرده اند؟

ما سئوال می کنیم: چرا مقامات با بازدید یک هیئت بی طرف بین المللی از زندانها و مذاکره با زندانیان و خانواده های زندانیان و قربانیان مخالفت مینماید؟

ما سئوال میکنیم: کدام اصل قانون اساسی به مقامات این اجازه را داده است که چه در گذشته و چه در حال حاضر محاکمات خود را در پشت درهای بسته و آنهم در شرایطی که زندانی حق حتی یک کلام دفاع از خود را ندارد، انجام دهند؟

ما سئوال میکنیم: کدام محکمه، به چه اتهامی، در چه تاریخی، حکم اعدام عزیزان ما را صادر کرده است؟ آنهم در شرایطی که پرنده مثلا بنیاد نبوت ماهها مورد بررسی قرار میگیرد، در حالی که اتهامات و جرائم آنها برای تمام مردم ایران مثل روز روشن است.

ما سئوال میکنیم: کدام قانون اجازه داده است که حکم اعدام دسته جمعی صادر کنند؟

... و هزاران سئوال ریز و درشت دیگر.

ما خانواده های قربانیان فاجعه اخیر و خانواده های زندانیان سیاسی خواستار اقدام فوری، جدی و مسئولانه شما هستیم. و خواسته های زیر را با شما در میان میگذاریم:

۱- تاریخ محاکمه، مدتی که محکمه مشغول بررسی پرونده هر یک از قربانیان بوده، دلیل محاکمه دوباره، و محل محاکمه برای تک تک قربانیان اعلام دارید. ۲- محل دفن و تاریخ اعلام کلیه قربانیان را به خانواده ها آنان اطلاع دهید. ۳- وصیت نامه های قربانیان را به خانواده های آنان مسترد کنید. ۴- تعداد و اسامی اعدام شدگان را اعلام نمایید. ۵- به دلیل اینکه این اقدام ناقص صریح اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است، ما علیه مسئولین این فاجعه دردناک اعلام جرم می کنیم و خواهان آن هستیم که ایشان بازداشت و در یک محکمه علنی محاکمه گردند. ۶- ما خواهان موافقت جمهوری اسلامی، با بازدید یک هیئت بین المللی برای بررسی وضعیت زندانهای کشور و اجازه مذاکره این هیئت با زندانیان سیاسی و خانواده های قربانیان فاجعه اخیر هستیم.

منتظری نیز در کتاب خاطرات خود از ابعاد این کشتار چنین تصویری را به خواننده می دهد: من چند ماه یک بار خدمت ایشان می رفتم و مسائل را بیان می کردم و کارهای خلاف را متذکر می شدم. در رابطه با اعدامها یکی از قضات نزد من آمد و بسیار ناراحت بود و گفت: "بر اساس دستوری که از امام صادر شده به ما گفته اند: شما مجاهدین خلق را که در زندان هستند و سر موضع می باشند اعدام کنید." من خیلی در فکر فرو رفتم تا این که قصد کردم نامه ای به ایشان در رابطه با اعدامها بنویسم که با آقای حاج سیدهادی هاشمی مطرح کردم. ایشان که آن روز مسئول دفتر بود مخالفت کرد و گفت: با این کار ممکن است امام از دست شما ناراحت شود. با این که می گفتند امثال ایشان به من خط می دهند ولی او مخالف بود. من با قرآن استخاره کردم این آیه شریفه آمد: (وهدوا الی الطیب من القول وهدوا الی صراط الحمید) نامه را که نوشتم به آقای هاشمی زنگ زد که نامه را من نوشته ام و یک نسخه آن را می خواهم به دست امام برسد و یک نسخه آن به دست شورای عالی قضایی، که مجدداً با اظهار مخالفت ایشان مواجه شدم. پس از مدتی آقای نیری که قاضی بود و تعدادی از آقایان را خواستم و به آنها گفتم: الان ماه محرم است حداقل به احترام ماه محرم و احترام امام حسین (ع) از اعدامها جلوگیری کنید. ایشان گفت: ما تا به حال ۷۵۰ نفر را در تهران اعدام کرده ایم و دویست نفر را هم برای اعدام جدا کرده ایم، کلک اینها را بکنیم بعدا هر چه بفرمایید! و گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ایران نیز پیرامون کشتار زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ گزارشی را منتشر می سازد که بیانگر ابعاد مهیب این نسل کشی بوده است:

... گزارش موقتی که توسط نماینده ویژه حقوق سازمان ملل برای مجمع عمومی تهیه شده شامل اطلاعاتی است که نشانگر نقض آشکار حقوق بشر از جمله نادیده گرفتن حق حیات در ایران میباشد. طبق این گزارش تعداد زیادی از زندانیان که از اعضاء گروههای مخالف حکومت اسلامی بودند، در خلال ماههای جولای، آگوست و سپتامبر ۱۹۸۸ اعدام شدند. از آن زمان به بعد، نماینده ویژه بطور مکرر اطلاعاتی در باره موج اعدامهای زندانیان سیاسی دریافت نموده است. این اطلاعات از منابع مختلفی مثل سازمانهای غیر حکومتی بدست آمده است. علاوه بر این، نماینده ویژه صدها نامه و دادخواست از افراد و شخصیتهای مختلف سراسر جهان از جمله اعضاء پارلمان استرالیا، فرانسه، آلمان، جمهوری فدرال ایرلند، انگلستان، ایرلند شمالی و همچنین اعضاء پارلمان اروپا، اتحادیه های تجاری و مقامات کلیسا دریافت نموده است. آنها ضمن ابراز نگرانی و تاسف عمیق خود در رابطه با موج گسترده کشتار زندانیان سیاسی از سازمان ملل درخواست کردند تا برای متوقف نمودن این اعمال وحشیانه و غیر انسانی که نقض آشکار حقوق بشر است، اقدام نمایند

تا کنون از تعداد دقیق قربانیان این فاجعه اطلاعی در دست نیست. نماینده ویژه اسامی بیش از ۱۰۰۰ زندانی اعدام شده را دریافت کرده است. (نام و نشان تعداد ۱۰۹۳ زندانی سیاسی اعلام شده ضمیمه گزارش است) اما بعضی از مدارک و شواهد نشانگر آن است که احتمالاً تعداد قربانیان بالغ بر چندین هزار نفر میباشد. در این رابطه، نماینده ویژه سازمان ملل در باره اعدام زندانیان سیاسی در خلال ماههای جولای تا سپتامبر ۱۹۸۸ مکرراً با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره نموده و از آنها خواسته است تا بطور جدی از کشتار تقریباً بیش از ۱۵۰ زندانی سیاسی که در معرض اعدام قرار داشتند، جلوگیری نمایند. اکثر قربانیان این فاجعه را اعضاء یا هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل میدادند اما در میان آنان اعضاء گروههای مخالف مانند حزب توده، سازمان فدائیان خلق، راه کارگر و سازمان کومله در کردستان ایران و همچنین ۱۱ روحانی نیز وجود داشتند. براساس اظهارات بعضی از شاهدان، بسیاری از قربانیان پیش از اعدام محکومیت خود را در زندان سپری میکردند و بعضی دیگر، از زندانیانی بودند که مجدداً دستگیر، زندانی و اعدام شدند. بنابراین برخلاف ادعای مقامات ایرانی، بنظر نمیرسد که این اشخاص در فعالیتهای خشونت آمیز علیه حکومت ایران مانند حمله سازمان مجاهدین به بخش غربی این کشور در جولای ۱۹۸۸ شرکت داشته اند. طبق بعضی از گزارشها بسیاری از زندانیان اعدام شده در حال گذراندن مدت محکومیت خود بوده اند. براین اساس، جمهوری اسلامی اصول قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را زیر پا گذاشته است. بسیاری از اعدامها بصورت مخفیانه و پنهانی انجام گرفته و بعضی دیگر نیز در ملاء عام تیرباران و یا به

دار آویخته شدند و... براساس بسیاری از گزارشها، خانواده های زندانیان سیاسی برای اطلاع یافتن از وضعیت زندانیان خود به جستجو در زندانها، ادارات دولتی و حتی گورستانها پرداختند. همسر یکی از زندانیان وضعیت خود را اینگونه توصیف کرده است: "در جستجوی یافتن جسد شوهرم به گورستان خاوران واقع در جاده خاوران تهران رفتم. در حالی که بی صبرانه یکایک گورهای بی نام و نشان را دنبال میکردم، چشمانم به قبوری افتاد. شروع به کنار زدن خاکها و سنگریزه ها کردم، حالم منقلب شد. دستهای زنی از زیر خاک نمایان شد و..." در اطلاعاتی صادره از سوی مقامات ایرانی در باره اعدام زندانیان سیاسی مطالب ضد و نقیض وجود داشت. در ماه آگوست، آیت الله موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی ظاهراً ادعا نمود که اعدام مخالفان حکومت جمهوری اسلامی متوقف خواهد شد. براساس بعضی از گزارشها در اکتبر همان سال آیت الله منتظری از اعدام زندانیان سیاسی انتقاد کرد. اما سایر مقامهای حکومت اسلامی اعدام تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را انکار کرده و این نوع گزارشات را تبلیغات و توطئه دشمنان خارجی و مخالفین جمهوری اسلامی قلمداد نمودند. زندانیان سیاسی گروه گروه در دادگاههایی که هیچ یک از موازین و معیارهای بین المللی و قضائی و حقوقی در آنها رعایت نشده محاکمه و بعضی نیز به مرگ محکوم گردیدند. زندانیان سیاسی در دادگاههای فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی بدون شاهد و امکان دفاع از خود محاکمه میشدند. این محکومیتها اغلب براساس اقرار و اعترافات زندانیان در زیر شکنجه صادر میشد. به این معنا که زندانیان را در دوران بازجویی تحت بدترین شکنجه های روحی و جسمی قرار میدادند تا آنها را وادار به اعتراف نموده و براساس این اعترافات دروغی و اجباری آنها را به اعدام محکوم نمایند. در ماه مارس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی گزارشی نگرانی و تاسف عمیق خود را نسبت به خشونتهای ضد بشری در ایران ابراز نمود. نماینده ویژه سازمان ملل گزارش موقت خود را در باره وضعیت حقوق بشر در ایران در اکتبر همان سال به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه نمود. در گزارش نماینده ویژه چنین آمده است: "گسترش موج اعدام زندانیان سیاسی از ماه جولای تا سپتامبر ۱۹۸۸ و نقض حقوق بشر در ایران موجبات نگرانی سیستم قضائی و حقوقی بین المللی را فراهم نموده است.

به این ترتیب برگه سیاه دیگری در کارنامه رژیم جمهوری اسلامی ثبت شد. کارنامه ای که در طول دوره حاکمیت این ضدمدردمان مملو از جنایات پاورنکردنی است. این جنایات را هرگز فراموش نخواهیم کرد. روز شمار تاریخی هستیم که تمامی مسببان این نامردمی ها در مقابل یک دادگاه ملی و بین المللی قرار گیرند.